

## بررسی رابطه بین تخصص مالی، جنسیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود

علی فخری<sup>۱</sup>، حبیب اله نخعی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تخصص مالی و جنسیت کمیته حسابرسی با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش، معیارهای تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی، تخصص مالی و اندازه کمیته حسابرسی، اندازه و استقلال هیئت مدیره به عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شده و رابطه آنها با مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفت. جهت اندازه گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، تعداد ۶۰۰ مشاهده (شرکت-سال) در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ انتخاب و با استفاده از روش تجزیه و تحلیل رگرسیونی مبتنی بر داده‌های تابلویی مورد مطالعه قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل فرضیات میتوان بیان نمود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد یعنی افزایش تخصص مالی کمیته حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود می‌گردد. همچنین جنسیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد. همچنین نسبت کارشناسان مالی زن کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد ولی نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد، این یافته‌ها نشاندهنده این است که نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی تأثیر بیشتری نسبت به کارشناسان مالی زن بر مدیریت سود دارند.

**واژه‌های کلیدی:** کمیته حسابرسی، مدیریت سود، تنوع جنسیتی، تخصص مالی.

## مقدمه

کمیته حسابرسی نقش کلیدی در نظارت، کنترل و مشاوره مدیریت هر سازمانی در اجرای سیستم‌های حسابداری داخلی و تهیه صورت‌های مالی ایفا می‌کند [۸]. هدف از تشکیل کمیته حسابرسی نیز کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت مدیره و بهبود آن به منظور کسب اطمینان معقول از موارد زیر است:

۱- اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی

۲- سلامت گزارشگری مالی، مدیریت خطر تقلب

۳- اثربخشی حسابرسی داخلی

۴- استقلال حسابرسی مستقل و اثربخشی آن

۵- رعایت قوانین و مقررات (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱)

همچنین مطابق با نظر کلین<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، اعضای کمیته حسابرسی در نقش خود به عنوان ناظر فرآیند گزارش مالی شرکت به طور منظم با مدیران و حسابرسان شرکت برای بررسی صورت‌های مالی شرکت، فرآیند حسابرسی و کنترل حسابداری داخلی ملاقات می‌کنند. امروزه در اکثر کشورها به منظور جلوگیری از رسوایی‌های حسابداری در بسیاری از شرکت‌های دنیا، کمیته‌های حسابرسی ملزم به داشتن اعضای با تخصص مالی داشته باشند [۱۱]. دالیوال و همکاران بیان می‌دارند که کمیته‌های حسابرسی با حداقل یک کارشناس مالی می‌توانند مدیریت سود تعهدی را بطور موثرتر، نسبت به کمیته‌های حسابرسی که فاقد تخصص مالی‌اند، کنترل کنند [۱۵]. اندازه کمیته حسابرسی نیز می‌تواند تاثیر سازنده ای بر کمیته حسابرسی داشته باشد [۲۵]. کمیته‌های حسابرسی بزرگ شامل اعضای با تخصصهای متنوع بصورت موثرتری بر شیوه‌های گزارشگری مالی نظارت دارند [۹]. با توجه به الزام مربوط به حضور کارشناسان متخصص به امور مالی در کمیته حسابرسی، مطالعات گسترده ای پیرامون اهمیت این گروه از افراد صورت پذیرفته است. برای مثال، بادولاتو و همکارانش (۲۰۱۷) دریافتند که حضور کارشناس مالی در کمیته حسابرسی مدیریت سود را کاهش می‌دهد، حال آنکه آرمسترانگ و همکاران گزارش کرده‌اند که با حضور اعضای کمیته حسابرسی با تخصص مالی، واکنش مثبت و قابل توجهی نسبت به قیمت سهام روی داده [۱۰]. هرچند آلبرینگ و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که تخصص حسابداری در نظارت کمیته حسابداری بر استقلال حسابرسان تاثیر می‌گذارد و افزایش تعداد این افراد برای مجموعه موثر نیست [۹]. در پژوهشی در خصوص شواهد تاثیرگذاری تخصص مالی بر جنبه‌های گزارش مالی توسط بدارد و گندران مشخص گردید که ۵۷ درصد از مطالعات نشان می‌دهند که ارتباط مثبتی بین تخصص مالی و اثربخشی کمیته‌های حسابرسی وجود دارد، درحالی که ۱۰ درصد ارتباط منفی را در این خصوص ارائه کرده‌اند و باقی ۳۳ درصد نشان دهنده ارتباط غیرقابل توجهی بودند [۱۴]. بنابراین، بر اساس شواهد ارائه شده در مقاله آنها، اثربخشی تخصص مالی در کاهش محدودیت‌های گزارش مالی دارای دیدگاه‌های مختلفی است.

به طور کلی، پیش زمینه مالی اعضای هیئت مدیره نشان دهنده یکی از ویژگی‌های بسیار گسترده و مورد توجه مطالعات مختلف است که مورد توجه افراد تنظیم کننده می‌باشد. به عنوان مثال، القدمین معتقد است اثربخشی مناسب به عنوان مکانیزم نظارتی، مدیران باید انگیزه‌های نظارتی کافی داشته باشند و پیامدهای تصمیم گیری‌های گزارشگری مالی را درک کنند [۶]. مسلماً مدیران در صورت داشتن پیشینه‌های مالی مورد نیاز، قادر به درک پیامدهای تصمیمات گزارشگری مالی هستند. این امر به آنها کمک میکند تا پیچیدگی‌های گزارش مالی را درک کنند، به شناسایی و طرح سوالاتی مربوط به جلب توجه بیشتر مدیران بپردازد، قضاوت حسابرسان را درک کنند و به حمایت حسابرسان در اختلافات مدیریت حسابرسی بپردازند.

از آنجایی که کمیته حسابرسی مسئول فرآیند گزارش مالی است، اعضای هیئت مدیره که در کمیته حسابرسی حاضر هستند باید از مهارت‌ها، تخصص‌های فنی و آموزش لازم برای انجام وظایف خود و همچنین بررسی معقول بودن توضیحات مدیر عامل

<sup>۱</sup> Klein

برخوردار باشند اهمیت تخصص مالی توسط ساکس<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) مورد تاکید قرار گرفته است که اظهار داشت مدیران باید تخصص لازم را در تهیه و حسابرسی اظهارات مالی و حسابداری تعهدات، تخمین‌ها و ذخایر داشته باشند. بیسلی و همکاران اشاره کردند که یکی از مهمترین ملزومات برای خدمت در کمیته حسابرسی داشتن تخصص مالی توسط مدیران می‌باشد [۱۳].

از طرفی، انتصاب مدیران زن احتمالاً باعث افزایش استقلال هیئت مدیره و بهبود سرمایه سهامداران خواهد شد. به عنوان مثال، این امر منجر به تسهیل تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر، پیشرفت در تصمیم‌گیری و بهبود ارتباط در بین اعضاء هیئت مدیره می‌شود [۱۲]. علاوه بر این، انتصاب مدیران زن باعث بهبود عمق و گستردگی بحثها و مشورت‌ها، به خصوص آنهایی که مربوط به مسائل چالش برانگیز هستند، می‌شود [۲۲]. آدامز و فریرا ادعا میکنند که چون مدیران زن به شبکه‌های قدیمی کمیته تعلق ندارند، از احتمال بیشتری برای نظارت، کنترل و تفکر مستقل به عنوان مدیران مستقل برخوردارند [۷]. آنها حضور فعالانه‌تری در هیئت مدیره دارند، موضع گیریهایی نظارتی داشته و بیشتر از مدیران عامل برای عملکرد بدشان تقاضای پاسخگویی می‌کنند. این نظارت دقیق منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعات در سطح هیئت مدیره می‌شود و همچنین با محدود کردن استفاده مدیران از اطلاعات شخصی برای منفعت خودشان، باعث تشویق برای افشای هرچه بیشتر مسائل به صورت عمومی می‌گردد [۱۷]. بنابراین، انتصاب مدیران زن میتواند تنوع جمعیتی هیئت مدیره را تضمین کند که این امر باعث تقویت عملکرد نظارتی هیات مدیره می‌گردد. از طرفی، مدیران زن محافظه کارتر و ریسک‌گریزتر از هم‌تایان مردشان هستند [۱۶]. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با نمایندگان زن نسبت به رقبای خود عملکرد بهتری دارند. برای مثال، گال و همکارانش دریافتند که مدیران زن دارای دامنه اطلاعاتی غنی‌تری هستند [۱۸]، از طرفی خیلی و همکاران نشان دادند که افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت برای شرکت‌های با هیئت مدیره دارای جنسیت ای زن و مرد به مراتب اثربخش‌تر از شرکت‌های دیگر است [۲۱]. به طور مشابه، گال و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که تنوع جنسیتی به شفافیت و دقت گزارشهای مالی افزوده میکند [۱۸]. آنها دریافتند که مدیران زن با دقت بیشتر و پراکندگی کمتر در پیش بینی درآمدهای تحلیلگران ارتباط دارند. جیانگ و همکاران نشان دادند که قابلیت نظارت کارشناسان مالی با توجه به استقلال، مالکیت سهام، مدیریت خارجی و حق تصدیشان متفاوت است [۱۹]. بر اساس پژوهشات انجام شده، کیویی و تیان نشان دادند که مدیران زن سختگیرانه‌تر عمل میکنند، تقاضای پاسخگویی بیشتری از مدیران عامل دارند و احتمالاً چالش بیشتری برای مقابله با شیوه‌ها و سیاستهای سنتی مدیران عامل از خود نشان میدهند [۲۴]. با توجه به مطالب ارائه شده در خصوص نقش کمیته حسابرسی و به ویژه نقش پررنگ تخصص مالی و جنسیت اعضاء این کمیته در بهبود عملکرد شرکت و همچنین مدیریت سود، مطالعه حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که چه رابطه‌ای میان تخصص مالی، جنسیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سالهای اخیر به دنبال رسوایی‌های مالی مکرری که در بسیاری از شرکت‌های داخلی و بین‌المللی رخ داده است، موجب نگرانی عمومی در یکپارچگی اطلاعات منتشر شده در بازار سرمایه و عملکرد اخلاقی فرآیند گزارشگری مالی شده است. برای این نگرانیها قوانین جدیدی ایجاد شد که موجب تغییرات گسترده‌ای در نیازهای حاکمیت شرکتی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی شده است که یکی از این تغییرات اساسی، ضرورت وجود کمیته‌های حسابرس در ساختار شرکتی شرکت‌ها میباشد [۲]. کمیته حسابرسی نقش مهمی در راهبری شرکت‌های صنعتی دارد و اهمیت این نقش در سال‌های اخیر مشهودتر شده است زیرا کمیته حسابرسی به عنوان یک محافظ سازمانی میتواند موجب اطمینان بخشیدن به وضعیت مالی شرکت‌ها و همچنین ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی باشد سان و همکاران و فخاری و همکاران (۱۳۹۴) معتقدند که وجود کمیته‌های حسابرسی علاوه بر ارتقای سطح کیفی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی میتواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی

<sup>۲</sup> Sax

بشود [۲۳، ۳]. در ایران اگرچه کمیته‌های حسابرسی قبل از سال ۱۳۹۱ به طور داوطلبانه توسط برخی از شرکت‌ها مورد توجه بوده است ولی در سال‌های اخیر، پس از تبیین ضرورت وجود این کمیته در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، این کمیته به عنوان بخش ضروری از ساختار راهبردی شرکتی قرار گرفته است. به گونه ای که در سال ۱۳۹۱ آیین اجرایی ضرورت تشکیل کمیته حسابرسی به کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ابلاغ شده است. بر مبنای چنین اقدامی این موضوع که اثرات اقتصادی چنین اقدامی چه بوده و آیا جنسیت اعضای این کمیته می‌تواند بر رویکردهای حسابداری مدیران شرکت‌ها اثر داشته باشد؟ از موضوعات قابل بررسی می‌باشد.

از سوی دیگر امروزه مدیریت سود به یک پدیده رایج تبدیل شده است که در اکثر کشورهای جهان اتفاق می‌افتد. سرمایه گذاران، اعتباردهندگان، قانون گذاران و رقبا به عنوان قربانیان مدیریت سود می‌باشند. زیرا زمانی که آن‌ها بر پایه اطلاعات دستکاری شده توسط مدیران اقدام به تصمیم گیری مینمایند، ممکن است تصمیمات نادرستی اتخاذ نمایند. مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت سود، نشان دهنده وجود دو شیوه اصلی برای مدیریت سود است. مدیران شرکت‌ها می‌توانند از طریق دستکاری ارقام تعهدی و هم چنین دستکاری فعالیت‌های واقعی، سود را مدیریت کنند. مدیریت سود از طریق ارقام واقعی، یکی از پیامدهای مهم تضاد منافع بین سهامداران و مدیران می‌باشد. ترکیب هیات مدیره به عنوان یکی از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، راهی برای توقف مدیریت سود و در نتیجه، کاهش تضاد منافع است. سان و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه نسبت استقلال و سطح تخصص و چرخش و اندازه کمیته حسابرسی و کمیته هیات مدیره با مدیریت سود واقعی شرکت‌های آمریکایی پرداختند [۲۳]. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن بود که هیچکدام از ویژگی‌های کمیته حسابرسی رابطه معناداری با مدیریت سود واقعی نداشتند. بادولاتو و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که بالا بودن تخصص مالی کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود خواهد داشت و همچنین به مزایا و محدودیت‌های تخصص در امور مالی نیز می‌پردازد [۱۱]. زالاتا و همکاران در پژوهشی به بررسی ارتباط بین کمیته حسابرسی، تخصص مالی، جنسیت و مدیریت آمد پرداختند [۲۵]. در این پژوهش از یک نمونه ۵۶۶۰ مشاهده ای مربوط به سال‌های مالی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ استفاده شده است که با استفاده از روش رگرسیون خرده مقیاسه ای خوشه ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که نسبت تخصص مالی در کمیته حسابرسی و جنسیت باعث کاهش مدیریت سود می‌گردد. همچنین پس از گروه بندی اعضاء کمیته حسابرسی بر اساس جنسیت، نتایج نشان داد که نسبت تخصص مالی زنان حاضر در کمیته حسابرسی با مدیریت سود کمتر به طور قابل توجهی مرتبط است، در حالی که بخش کارشناسان مالی مرد حاضر در کمیته حسابرسی تاثیر قابل توجهی بر مدیریت سود نداشتند مولدر در پژوهش خود به بررسی رابطه بین مدیریت سود و تنوع جنسیتی در هیئت مدیره و کمیته حسابرسی پرداخت [۲۰]. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین مدیریت سود و تنوع جنسیتی در هیئت مدیره و کمیته حسابرسی بود. بر اساس ادبیات پیشین، فرضیه‌ها مشخص گردید. برای انجام این پژوهش از رگرسیون چندگانه بین تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی و مدیریت سود انجام گرفت. شواهد نشان داد که داشتن رئیس شرکت بر سطح مدیریت سود تاثیر می‌گذارد. بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، این پژوهش نشان داد که اندازه هیئت مدیره با مدیریت سود مبتنی بر تعهد رابطه منفی دارد.

ایناف و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه خود به بررسی رابطه بین قومیت هیئت مدیره، تنوع جنسیتی و مدیریت آمد (شواهد موجود در شرکت‌های کشور نیجریه) پرداختند. این مطالعه به طور خاص به بررسی تاثیر مدیران خارجی، جنسیت زن، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و اندازه شرکت در مدیریت سود پرداخته است. بنابراین این مطالعه اخذ از نوع مقیاس سنجش کمی و مقطعی از موسسات غیرمالی فهرست شده در بورس اوراق بهادار نیجریه در سال ۲۰۱۴ بوده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، همبستگی و رگرسیون چند متغیره کوچک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این مطالعه نشان داد که اعضاء هیئت مدیره خارجی، جنسیت زن در هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره با مدیریت سود ارتباط منفی دارند آلکاتامین در مطالعه ای به بررسی اثربخشی کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت (مطالعه موردی کشور اردن) پرداختند [۶]. نمونه حاضر در این مطالعه شامل ۱۶۵ شرکت غیرمالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اردن در بین سال‌های ۲۰۱۴

تا ۲۰۱۶ بود. نتایج این پژوهش نشان داد که کمیته حسابرسی، استقلال و تنوع جنسیتی دارای رابطه مثبت و معناداری با عملکرد شرکت هستند، درحالی که تجربه و فراوانی جلسات ارتباط نامناسبی داشت. جیانگ و همکاران در پژوهشی با عنوان "تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی کیفیت افشا و گزارش‌های مالی" به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام شرکت می‌دهند [۱۹]. این در حالی است که بین دانش مالی مدیرعامل و مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری رابطه‌ای وجود ندارد. آن‌ها بر اساس یافته‌های خود نتیجه گرفتند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، اطلاعات سود دقیق‌تر و صورت‌های مالی با کیفیت‌تری را ارائه می‌کنند. از طرفی، آزادی و همکاران (۱۳۹۴) نقش استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات مالی را بررسی نمودند. آن‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مروری بر کلیه مقالات مرتبط با حوزه کمیته حسابرسی، به بررسی عوامل موثر بر افشای اطلاعات شرکت‌ها پرداخته و در انتها چارچوبی نظری و مفهومی برای شرکت‌ها ارائه نمودند. همچنین بیان کردند که نقش کمیته حسابرسی مستقل و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات موجب اعتبار گزارش‌دهی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و شفافیت اطلاعاتی و مالی می‌شود، به گونه‌ای که می‌تواند در جهت کسب برتری رقابتی و نیل به اهداف بلندمدت شرکت‌ها به کار گرفته شود. فخاری و رضائی در پژوهشی به بررسی تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت پرداختند [۲]. در این پژوهش، تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت مورد آزمون قرار گرفت. محیط اطلاعاتی شرکت توسط متغیرهای مشاهده پذیر اندازه شرکت، مالکیت نهادی، فرصت‌های رشد شرکت، عمر شرکت، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، تعداد سهامداران شرکت، خطای پیش بینی سود، دفعات گردش سهام، معیار عدم نقد شوندگی آمیهود و نوسان پذیری بازده سهام، بصورت یک شاخص جامع، اندازه گیری شده و تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها در بازه زمانی ۴ سال بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی در سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق داده‌های ترکیبی به روش تابلویی، بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و محیط اطلاعاتی شرکت‌ها وجود دارد و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی باعث بهبود محیط اطلاعاتی شرکت و افزایش شاخص سنجش آن می‌گردد. یوسفی و خلیلیپور نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند [۵]. به همین منظور، داده‌های مربوط به ۹۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ جمع آوری شدند و برای اندازه گیری مدیریت سود از ارقام تعهدی اختیاری که بر اساس مدل تعدیل شدهی جونز محاسبه شده است، استفاده گردیده و از الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بین اندازه کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. ملکیان و جهانیان در مطالعه خود به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند [۴]. برای این منظور داده‌های مربوط به ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۳ به روش مقطعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بطور کلی ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، استقلال، اندازه) تأثیر مثبتی بر کیفیت سود دارند. این یافته‌ها می‌تواند برای خط مشی‌گذاران بورس از جهت تدوین و الزام به رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید بوده و ضرورت بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی را به همراه داشته باشد. تاری وردی و قادری نیز در مطالعه خود به بررسی تأثیر نقش تخصص مالی کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاه مدت مدیران پرداختند [۱]. جهت اندازه گیری نگرش کوتاه مدت مدیریت، از سه معیار ارقام تعهدی اختیاری جاری و ارقام واقعی (از طریق دستکاری در فروش و کاهش در مخارج اختیاری) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و نمونه پژوهش شامل شرکت‌هایی بود که قبل از سال ۱۳۹۰ عضو بورس بوده‌اند و در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ دارای کمیته حسابرسی می‌باشند. نتایج پژوهش نشان داد که تخصص مالی

اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی تأثیر معناداری ندارد. بررسی اثر ویژگی تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود واقعی حاکی از آن است که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق دستکاری در فروش و کاهش مخارج اختیاری تأثیر منفی دارد.

### فرضیه‌های پژوهش

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه بین تخصص مالی، جنسیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است بر این اساس جهت دستیابی به هدف مذکور فرضیات تحقیق بصورت زیر طراحی شدند:

- ۱- تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد.
- ۲- جنسیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد.
- ۳- نسبت کارشناسان مالی زن کمیته حسابرسی تأثیر بیشتری نسبت به کارشناسان مالی مرد بر مدیریت سود دارند.
- ۴- نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی تأثیر بیشتری نسبت به کارشناسان مالی زن بر مدیریت سود دارند.

### جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره پژوهش بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ می‌باشند که شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱- شرکت‌ها باید همه اطلاعات مورد نیاز را در دوره زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۶ دارا باشند.
  - ۲- شرکت‌ها باید همه قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند و تا پایان سال ۱۳۹۶ نماد آن‌ها از تابلو معاملات بورس حذف نشده باشد.
  - ۳- سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
  - ۴- جزء شرکت‌های مالی (سرمایه گذاری، هلدینگ، واسطه گری) نباشند.
- روش نمونه‌گیری، حذفی سیستماتیک است و بر اساس ملاحظات فوق شرکت‌هایی که شرایط مذکور را نداشته‌اند از نمونه حذف می‌شوند. بر این اساس تعداد ۱۰۰ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

### روش شناسی پژوهش

روش تحقیق همبستگی است زیرا در این تحقیق شدت و رابطه بین متغیرها مورد نظر است. تحقیق حاضر به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته و در پی آزمون وجود این رابطه و در شرایط کنونی و بر اساس داده‌های تاریخی می‌باشد. تحلیل همبستگی ابزار آماری است که بوسیله آن میتوان درجه ای که یک متغیر به متغیر دیگر از نظر خطی مرتبط است را اندازه گیری نمود. داده‌ها در اکسل جمع آوری و توسط نرم افزار ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این پژوهش از نوع پژوهشات کاربردی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی صورت گرفته است.

### مدل آزمون فرضیه‌ها و نحوه سنجش متغیرها

به منظور بررسی فرضیه‌های ۱ و ۲ از معادله زیر استفاده می‌شود. متغیرهای اصلی پژوهش عبارتند از:

$$ABSDACC = \beta_0 + \beta_1 EXPERT + \beta_2 ACFD + \beta_3 BSIZE + \beta_4 ACSIZE + \beta_5 IND + \beta_6 SIZE + \beta_7 LEV + \beta_8 OCF + \beta_9 ROA + \beta_{10} LOSS + \beta_{11} MBV + \beta_{12} SALEG + \varepsilon$$

$ABS\_DACC$  = ارزش مطلق اقلام تعهدی

$EXPERT$  = تخصص مالی (نسبت مدیران کارشناس مالی حاضر در کمیته)

$ACFD$  = اعضای زن کمیته حسابرسی (نسبت مدیران زن حاضر در کمیته حسابرسی)

$BSIZE$  = اعضای هیات مدیره (تعداد اعضای حاضر در هیئت مدیره)

ACSIZE = اندازه کمیته حسابرسی (تعداد اعضاء حاضر در کمیته حسابرسی)  
 IND = مدیران مستقل (درصد مدیران مستقل به تعداد کل مدیران هیئت مدیره)  
 SIZE = اندازه شرکت (لگاریتم ارزش سرمایه بازار)  
 LEV = نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت  
 ROA = بازده دارایی‌ها (درآمد خالص مقیاس شده توسط دارایی‌های عقب مانده)  
 OCF = جریان نقدینگی (تقسیم جریان نقدی بر مجموع دارایی‌های عقب مانده)  
 LOSS = متغیر ساختگی است که اگر درآمد خالص منفی باشد با عدد یک و در غیر اینصورت با صفر نشان داده می‌شود؛  
 MBV = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام  
 SALEG = رشد فروش (تغییر درصد در فروش)

همچنین به منظور بررسی فرضیه‌های ۳ و ۴ از معادله زیر استفاده می‌شود:

$$ABSDACC = \beta_0 + \beta_1 FEMEX + \beta_2 MALEEX + \beta_3 BSIZE + \beta_4 ACSIZE + \beta_5 IND + \beta_6 SIZE + \beta_7 LEV + \beta_8 OCF + \beta_9 ROA + \beta_{10} LOSS + \beta_{11} MBV + \beta_{12} SALEG + \varepsilon$$

FEMEX = نسبت تخصص مالی مدیران زن حاضر در کمیته حسابرسی  
 MALEEX = نسبت تخصص مالی مدیران مرد حاضر در کمیته حسابرسی  
 BSIZE = اعضای هیات مدیره (تعداد اعضاء حاضر در هیئت مدیره)  
 ACSIZE = اندازه کمیته حسابرسی (تعداد اعضاء حاضر در کمیته حسابرسی)  
 IND = مدیران مستقل (درصد مدیران مستقل به تعداد کل مدیران هیئت مدیره)  
 SIZE = اندازه شرکت (لگاریتم ارزش سرمایه بازار)  
 LEV = اهرم مالی (نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت)  
 ROA = بازده دارایی‌ها (درآمد خالص مقیاس شده توسط دارایی‌های عقب مانده)  
 OCF = جریان نقدینگی (جریان نقدی تقسیم بر مجموع دارایی‌های عقب مانده)  
 LOSS = زیان (متغیر ساختگی است که اگر درآمد خالص منفی باشد با عدد یک و در غیر اینصورت با صفر نشان داده می‌شود)  
 MBV = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام  
 SALEG = رشد فروش (تغییر درصد در فروش)

همچنین در این پژوهش برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز که دیچو و اسونی (۱۹۹۵) ارائه کرده‌اند، استفاده شده است. این مدل به شرح زیر است:

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \left( \frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

در تعریف اقلام تعهدی نیز از رویه‌ی کوتاری، لئون و واسلی (۲۰۰۵) استفاده شده است. برای سال مالی  $t$  و شرکت  $i$  متغیرها به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$TAC_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CL_{it} - \Delta Cash_{it} + \Delta STDEBT_{it} - DEPN_{it})$$

$TAC_{it}$  اقلام تعهدی جاری شرکت  $i$  در سال  $t$  و  $\Delta CA_{it}$  تغییر در دارایی‌های جاری شرکت  $i$  بین سال‌های  $t-1$  و  $t$

$\Delta CL_{it}$  تغییر در بدهی‌های جاری شرکت  $i$  بین سال‌های  $t-1$  و  $t$

$\Delta Cash_{it}$  تغییر در وجه نقد شرکت  $i$  بین سال‌های  $t-1$  و  $t$

$\Delta STDEBT_{it}$  تغییر در حصة جاری بدهی‌های بلند مدت شرکت  $i$  بین سال‌های  $t-1$  و  $t$



$DEPN_{it}$  استهلاک دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$

$TA_{it-1}$  کل دارایی‌های شرکت  $i$  در اول سال  $t$

$\Delta REV_{it}$  تغییر در فروش شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$

$\Delta REC_{it}$  تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتنی طی سال‌های  $t$  تا  $t-1$  برای شرکت  $i$

$PPE_{it}$  مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات در سال  $t$  برای شرکت  $i$

سپس ضرایب برآوردی رگرسیون برای برآورد میزان اقلام تعهدی اختیاری به شرح رابطه ۶ استفاده شده است.

$$TAEM_{it} = \frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} + \alpha_1 \left( \frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right)$$

اجزای مدیریت شده اقلام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$  که معادل جمع اقلام تعهدی اختیاری است. بعد از تعیین میزان مدیریت سود در شرکت‌ها، از متغیر مجازی استفاده شده است، بدین ترتیب که برای شرکت‌های دارای مدیریت سود بالاتر از میانه، مقدار متغیر مجازی برابر یک و برای شرکت‌های دارای مدیریت سود پایین‌تر از میانه، مقدار متغیر مجازی برابر صفر در نظر گرفته می‌شود.

#### یافته‌های پژوهش

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، می‌بایست آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد استفاده، محاسبه و تفسیر شوند. در این قسمت جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده طراحی گردیده است، داده‌ها از طریق نرم افزار ایویز نسخه ۹ تجزیه و تحلیل شده و در دو مرحله به اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش، تبدیل شدند. اقتصادسنجی در مرحله اول، جدول مربوط به آمار توصیفی داده‌های گردآوری شده ارائه شده و در مرحله دوم که تجزیه و تحلیل استنباطی است آزمون فرضیه‌های پژوهش و برآورد مدل‌های پژوهش به روش داده‌های ترکیبی انجام گرفت. در پژوهش حاضر، نتایج آزمون‌ها در سطح خطای ۵ درصد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. جدول (۱) نشان دهنده آمار توصیفی متغیرهای تحقیق است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

سال شرکت	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	کمینه	پیشینه	میانه	میانگین	نماد	
۷۰۰	۲,۹۶۷	۱۵,۰۸۹	۱,۶۱۲	۰,۰۰۰۰۴	۲۵,۸۹۹	۰,۱۰۹	۰,۳۰۱	ABS_DACC	ارزش مطلق اقلام تعهدی
۷۰۰	۶,۰۰۱	-۱,۴۵۰	۰,۲۷۸	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۶۸۹	۰,۸۰۵	EXPERT	تخصص مالی
۷۰۰	۴,۰۷۵	۶,۴۵۸	۰,۰۶۱	۰,۰۰۰۰۱	۰,۳۹۸	۰,۰۰۰	۰,۱۵۱	ACFD	اعضای زن
۷۰۰	۶,۵۲۱	۹,۰۲۷۸	۰,۰۴۵	۰,۰۰۰۰۱	۰,۳۸۴	۰,۰۰۰	۰,۰۳۹	FEMEX	تخصص مالی مدیران زن
۷۰۰	۶,۰۱۹	-۱,۳۶۹	۰,۲۸۹	۰,۰۰۰۰۲	۱,۰۰۰	۰,۷۸۳	۰,۸۱۱	MALEEX	تخصص مالی مدیران مرد
۷۰۰	۶,۳۹۹	۷,۸۹۶	۰,۲۴۵	۵,۰۰۰	۷,۰۰۰	۵,۰۰۰	۶,۰۰۱	BSIZE	اعضای هیات مدیره
۷۰۰	۱۱,۱۲۵	-۲,۹۵	۰,۲۶۸	۱,۹۹۹	۲,۹۸۵	۲,۹۸۵	۳,۹۹۱	ACSIZE	اندازه کمیته



حسابرسی									
مدیران مستقل	IND	۰,۶۰۲	۰,۸۹۱	۰,۹۹۵	۰,۰۰۷	۰,۲۳۹	-۰,۷۴۵	۵,۳۲۵	۷۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۱۵,۷۵۱	۱۵,۰۲۴	۲۰,۱۲۹	۱۱,۱۴۷	۱,۹۹۲	۰,۵۶۲	۶,۷۴۶	۷۰۰
اهرم مالی	LEV	۰,۶۰۲	۰,۶۱۴	۳,۰۰۱	۰,۰۷۰	۰,۳۱۴	۲,۶۲۹	۱۷,۶۰۵	۷۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۱۲۵	۰,۰۹۸	۰,۵۴۱	-۰,۹۹۸	۰,۱۵۹	-۰,۱۱۳	۶,۳۵۲	۷۰۰
زیان	LOSS	۰,۱۴۹	۰,۱۱۰	۰,۸۷۹	۰,۰۰۱	۰,۵۴۹	۱,۲۹۷	۳,۵۲۲	۷۰۰
جریان نقدینگی	OCF	۰,۱۱۹	۰,۰۰۴	۰,۹۸۵	۰,۰۰۹	۰,۳۲۹	۱,۴۵۹	۴,۰۴۸۹	۷۰۰
ارزش دفتری	MBV	۳,۵۸۹	۳,۱۲۵	۱۵,۰۲۵	-۱۲,۴۰۱	۲,۵۶۲	۰,۰۲۵	۷,۹۹۵	۷۰۰
رشد فروش	SALEG	۰,۱۰۵	۰,۱۳۴	۵,۷۵۴	-۰,۹۰۸	۰,۶۰۲	۴,۰۰۱	۲۷,۱۵۹	۷۰۰

در بین متغیرها کمترین میانگین مربوط به متغیر تخصص مالی مدیران زن (۰,۰۳۹) و بیشترین میانگین مربوط به متغیر اندازه شرکت (۱۵,۷۵۱) میباشد. همچنین مثبت بودن ضرایب کشیدگی حکایت از این مطلب دارد که توزیع متغیرها از توزیع نرمال بلندتر بوده و داده‌ها حول میانگین متمرکزتر شده‌اند. نتایج حاصل از تخمین مدل فرضیه اول و دوم را با استفاده از نرم افزار اوی یوز و روش EGLS در جدول (۲) آورده شده است.

#### جدول ۲. نتایج تخمین مدل فرضیه اول و دوم

متغیر	نماد	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	t آماره	P-Value
تخصص مالی	EXPERT	-۰,۴۶	۰,۰۱۸	-۲,۹۸۹	۰,۰۰۵
اعضای زن	ACFD	-۰,۰۳۱	۰,۰۵۸	-۰,۶۰۱	۰,۰۲۵
اعضای هیات مدیره	BSIZE	۰,۲۳۳	۰,۰۶۸	۲,۸۰۱	۰,۰۰۵
اندازه کمیته حسابرسی	ACSIZE	-۰,۰۰۴	۰,۰۱۳	-۰,۲۲۹	۰,۰۰۱
مدیران مستقل	IND	۰,۰۵۶	۰,۰۲۵	۲,۰۵۸	۰,۰۴۹
اندازه شرکت	SIZE	-۰,۰۴۷	۰,۰۰۷	-۶,۵۸۹	۰,۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰,۰۳۱	۰,۰۱۹	۱,۸۰۵	۰,۰۰۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۲۱۸	۰,۰۴۳	۵,۲۳۹	۰,۰۰۰
زیان	LOSS	-۰,۲۰۱	۰,۴۸	-۵,۵۶۴	۰,۰۰۰
جریان نقدینگی	OCF	۰,۰۲۹	۰,۱۵۹	۲,۰۰۱	۰,۰۰۲
ارزش دفتری	MBV	۰,۰۰۶	۰,۰۰۱	۱,۱۸۵	۰,۰۳۹
رشد فروش	SALEG	۰,۰۲۵	۰,۰۰۹	۳,۸۴۷	۰,۰۱۸
ضریب ثابت عرض از مبدا	C	-۰,۱۲۹	۰,۳۶۸	-۰,۳۰۲	۰,۰۰۴
ضریب تعیین	۰,۵۸۹	ضریب تعیین تعدیل شده			۰,۳۸۹
آماره دورین واتسون	۲,۱۵۸	آماره F	۳,۰۲۸	احتمال آزمون F	۰,۰۰۰

نتایج مندرج در جدول (۲) نشان می‌دهد که P-value برابر با ۰,۰۰۰ می‌باشد و کوچکتر از ۰,۰۵ است در نتیجه میتوان گفت مدل با احتمال ۹۵ درصد معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل معادل ۰,۳۸۹ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ۳۸,۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی مدل قابل تبیین است و از آنجائی که آماره دوربین - واتسون مدل برابر با ۲,۱۵۸ است و این مقدار بین ۱,۵ تا ۲,۵ قرار دارد، میتوان گفت که در مدل خودهمبستگی وجود ندارد.

فرضیه اول: نتایج حاصل از جدول (۲) نشان می‌دهد که معناداری محاسبه شده برای متغیر مستقل تخصص مالی کمیته حسابرسی ۰,۰۰۰ و کوچکتر از ۰,۰۵ و ضریب برآورد شده آن متغیر ۰,۴۶ منفی است. در نتیجه میتوان اظهار داشت که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مبنی بر اینکه تخصص مالی کمیته حسابرسی تاثیر معناداری بر مدیریت سود دارد، پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم: نتایج حاصل از جدول (۲) نشان می‌دهد که معناداری محاسبه شده برای متغیر مستقل جنسیت کمیته حسابرسی ۰,۰۲۵ و کوچکتر از ۰,۰۵ است. در نتیجه میتوان اظهار داشت که بین جنسیت کمیته حسابرسی و مدیریت سود شرکت رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مبنی بر اینکه جنسیت کمیته حسابرسی تاثیر معناداری بر مدیریت سود دارد، تایید می‌شود.

در جدول (۳) نتایج حاصل از تخمین مدل فرضیه سوم و چهارم با استفاده از نرم افزار ایویوز و روش EGLS آورده شده است.

جدول ۳. نتایج تخمین مدل فرضیه سوم و چهارم

متغیر	نماد	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	t آماره	P-Value
تخصص مالی مدیران زن	FEMEX	-۰,۱۹	۰,۰۱۸	-۰,۲۵۸	۰,۰۶۱
تخصص مالی مدیران مرد	MALEEX	-۰,۰۳۹	۰,۰۵۸	-۳,۲۵۴	۰,۰۰۳
اعضای هیات مدیره	BSIZE	۰,۱۹۴	۰,۰۶۸	۲,۸۰۱	۰,۰۰۲
اندازه کمیته حسابرسی	ACSIZE	-۰,۰۰۱	۰,۰۱۳	-۰,۱۶۸	۰,۰۰۱
مدیران مستقل	IND	۰,۰۵۵	۰,۰۲۴	۱,۷۹۹	۰,۰۱۹
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۴۲	۰,۰۷۸	-۳,۵۸۹	۰,۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰,۲۹۹	۰,۱۸۷	۱,۸۰۵	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۲۱۸	۰,۰۴۳	۶,۲۰۷	۰,۰۰۱
زیان	LOSS	-۰,۲۰۱	۰,۰۴۸	-۵,۵۶۴	۰,۰۰۰
جریان نقدینگی	OCF	۰,۰۲۸	۰,۱۶۲	۲,۴۸۱	۰,۰۰۱
ارزش دفتری	MBV	۰,۰۵۹	۰,۰۰۱	۱,۱۷۳	۰,۰۲۷
رشد فروش	SALEG	۰,۰۲۷	۰,۰۰۸	۳,۸۰۶	۰,۰۱۶
ضریب ثابت عرض از مبدا	C	-۰,۱۲۹	۰,۰۴۰۶	-۰,۳۷۸	۰,۰۳۹
ضریب تعیین	۰,۶۰۱	ضریب تعیین تعدیل شده			۰,۳۹۱
آماره دوربین واتسون	۲,۱۹۹	آماره F	۳,۷۱۳	احتمال آزمون F	۰,۰۰۰

نتایج مندرج در جدول (۳) نشان می‌دهد که برابر آزمون P-value با ۰,۰۰۰ می‌باشد و کوچکتر از ۰,۰۵ است در نتیجه میتوان گفت مدل با احتمال ۹۵ درصد معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل معادل

۳۹۱، است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ۳۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای توضیحی مدل قابل تبیین است و از آنجائی که آماره دوربین - واتسون مدل برابر با ۲،۱۹۹ است و این مقدار بین ۱،۵ تا ۲،۵ قرار دارد، می‌توان گفت که در مدل خودهمبستگی وجود ندارد.

فرضیه سوم: نتایج حاصل از جدول (۳) نشان می‌دهد که معناداری محاسبه شده برای متغیر مستقل نسبت کارشناسان مالی زن کمیته حسابرسی ۰،۰۶۱ و بزرگتر از ۰،۰۵ است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که بین نسبت کارشناسان مالی زن کمیته حسابرسی و مدیریت سود شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. بر این اساس، فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مبنی بر اینکه نسبت کارشناسان مالی زن کمیته حسابرسی تاثیر بیشتری نسبت به کارشناسان مالی مرد بر مدیریت سود دارند، رد می‌شود.

فرضیه چهارم: نتایج حاصل از جدول (۳) نشان می‌دهد که معناداری محاسبه شده برای متغیر مستقل نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی ۰،۰۰۳ و کوچکتر از ۰،۰۵ و ضریب برآورد شده آن ۰،۰۳۹ منفی است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که بین نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی و مدیریت سود شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بر این اساس، فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مبنی بر اینکه نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی تاثیر بیشتری نسبت به کارشناسان مالی زن بر مدیریت سود دارند، پذیرفته می‌شود.

### نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل فرضیات می‌توان بیان نمود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد یعنی افزایش تخصص مالی کمیته حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود می‌گردد؛ این نتایج، با یافته‌های دیویدسون و همکاران (۲۰۰۳)، چوی، جون و پارک (۲۰۰۴) دالیوال، نایکر و نوویس (۲۰۱۰) لابل و همکاران (۲۰۱۰)، سریندهی و همکاران (۲۰۱۱) و سولتانان (۲۰۱۵) مطابقت داشته ولی مغایر با نتایج باکستر و کوتر (۲۰۰۹) می‌باشد. جنسیت کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد؛ یافته‌های مرتبط با این فرضیه با نتایج پژوهش مولدر (۲۰۱۷) همخوانی دارد در پژوهش انجام گرفته توسط مولدر (۲۰۱۷) رابطه معنی داری بین حضور زنان در کمیته حسابرسی و مدیریت سود مشاهده نشد. همچنین این نتیجه بر خلاف یافته‌های زالاتا و همکاران (۲۰۱۸) است. همچنین نسبت کارشناسان مالی زن کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد ولی نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد، این یافته نشان‌دهنده این است که نسبت کارشناسان مالی مرد کمیته حسابرسی تأثیر بیشتری نسبت به کارشناسان مالی زن بر مدیریت سود دارند. این یافته مغایر با یافته‌های پژوهش زالاتا و همکاران (۲۰۱۸) است. کمیته حسابرسی یکی از ارکان اصلی نظام راهبری شرکت‌هاست که موجبات تقویت و سلامت گزارشگری مالی را فراهم مینماید و استقلال حسابرسان مستقل را ارتقا میبخشد. باید توجه داشت که کمیته‌های حسابرسی، گزارش‌های مالی تهیه نمیکنند و انجام حسابرسی مستقل را برعهده ندارند، اما نقش اساسی در حصول اطمینان نسبت به سلامت و شفافیت گزارشگری را مالی ایفا مینمایند. رسوایی‌های مالی، تقلب‌های متعدد و متضرر شدن پیاپی سهامداران و سرمایه‌گذاران منجر به رخت بستن اعتماد از اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود و این وظیفه نظام راهبری شرکت‌ها از جمله کمیته حسابرسی است که در جهت منافع ذیفعان به خصوص سهامداران، گزارشگری مالی و کیفیت اطلاعات شرکت‌ها را بهبود ببخشد، اگرچه ممکن است در این امر با مشکلات و چالش‌های متعددی نیز همراه باشد. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه با افزایش سطح تخصص مالی کمیته حسابرسی، اعمال مدیریت سود توسط شرکت‌ها کاهش پیدا میکند بنابراین پیشنهاد می‌شود تا شرکت‌ها و اعضای هیئت مدیره آن‌ها نسبت به تقویت و استقرار کمیته حسابرسی و توجه به ویژگی‌های آن از جمله، افراد با سابقه و دارای دانش و تجربه در زمینه حسابداری و حسابرسی و مستقل در این کمیته تلاش نمایند. با توجه به معنی دار بودن تخصص مالی اعضای کمیته بر کاهش مدیریت سود، به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که به این ویژگی توجه بشتر نموده و حتی الامکان عضویت بیشتر اعضاء با مدرک حسابداری

رسمی را در اولویت خود قرار دهد. با توجه به استفاده بسیار کم از زنان در کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌های بورسی ایران پیشنهاد می‌گردد با افزایش استفاده از زنان بدلیل دقیق بودنشان در انجام امور منجرافزایش کارایی حسابرسی گردند. توجه به شاخص‌های متعدد مدیریت سود به محققین پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی از دیگر شاخص‌های مدیریت سود به عنوان متغیر وابسته استفاده گردد. به محققین پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی تأثیر تخصص حسابداری زنان را بر شاخص‌های مدیریت سود بررسی کنند.

## منابع

- ۱- تاریوردی، یدالله. و صلاح الدین قادری. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر نقش تخصص مالی کمیته حسابرسی بر نگرش کوتاهمدت مدیران. *نشریه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره ۱۴، صص ۱۴۱-۱۶۵.
- ۲- فخاری، حسین. و یاسر رضائی پشته نوئی. (۱۳۹۶). تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. *نشریه دانش حسابداری*، شماره ۳، صص ۸۱-۱۱۲.
- ۳- فخاری، حسین؛ محمدی، جواد و محسن حسن نتاج کردی. (۱۳۹۴). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره ۱۲، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- ۴- ملکیان، اسفندیار. و حسین جهانیان، (۱۳۹۶). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *سومین همایش ملی و سومین همایش بین‌المللی مدیریت و حسابداری ایران*.
- ۵- یوسفی، وحید. و مهدی خلیل پور. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی*، شهرکرد، دانشگاه پیام نور واحد شهرکرد.
- ۶- Alqatamin, R.M. (۲۰۱۸). *Audit Committee Effectiveness and Company Performance: Evidence from Jordan*. *Accounting and Finance Research*, ۷(۲), ۴۸.
- ۷- Adams, R., & Ferreira, D. (۲۰۰۹). *Women in the boardroom and their impact on governance and performance*. *J. Financ. Econ.* ۹۴(۲), ۲۹۱-۳۰۹.
- ۸- Arun, T.G., Almahrog, Y.E. and Aribi, Z.A. (۲۰۱۵). *Female directors and earnings management: Evidence from UK companies*. *Int. Rev. Financ. Anal.*, ۳۹, ۱۳۷-۱۴۶.
- ۹- Albring, S., Robinson, D., & Robinson, M. (۲۰۱۴). *Audit committee financial expertise, corporate governance, and the voluntary switch from auditor-provided to non-auditor- provided tax services*. *Advances in Accounting*, ۳۰, ۸۱-۹۴.
- ۱۰- Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (۲۰۱۵). *Corporate governance, incentives, and tax avoidance*. *Journal of Accounting and Economics*, ۶۰(۱), ۱-۱۷.
- ۱۱- Badolato, P.G., Donelson, D.C. and Ege, M. (۲۰۱۷). *Audit committee financial expertise and earnings management: The role of status*. *J. Account. Econ.*, ۵۸, ۲۰۸-۲۳۰.
- ۱۲- Bear, S., Rahman, N., and Post, C. (۲۰۱۰). *The impact of board diversity and gender composition on corporate social responsibility and firm reputation*. *Journal of Business Ethics*, ۹۷(۲), ۲۰۷-۲۲۱.

- ۱۳- Beasley, M. S., Carcello, J. V., Hermanson, D. R., & Neal, T. L. (۲۰۰۹). *The audit committee oversight process*. Contemp. Account. Res. ۲۶, ۶۵-۱۲۲.
- ۱۴- Bédard, J. and Gendron, Y. (۲۰۱۰). *Strengthening the financial reporting system: Can audit committees deliver?*. Int. J. Audit. ۱۴, ۱۷۴-۲۱۰.
- ۱۵- Dhaliwal, D., Naiker, V. and Navissi, F. (۲۰۱۵). *The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees*. Contemporary Accounting Research, ۳۲(۳), ۷۸۷-۸۲۷.
- ۱۶- Faccio, M., Marchica, M. T. and Mura, R. (۲۰۱۶). *CEO gender, corporate risk-taking, and the efficiency of capital allocation*. J. Corp. Finan. ۳۹, ۱۹۳-۲۰۹.
- ۱۷- Huang, X. (۲۰۱۳). *Managerial ability and real earnings management*. Unpublished Doctoral Dissertation, Oklahoma University.
- ۱۸- Gul, F.A., Srinidhi, B. and Ng, A.C. (۲۰۱۱). *Does genderdiversity improve the informativeness of stock prices?*. Journal of Accounting and Economics, ۵۱(۳), ۳۸-۲۱۴.
- ۱۹- Jiang, F., Zhu, B. and Huang, J. (۲۰۱۳). *CEO's Financial Experience and Earnings Managemen*. J. of Multi. Fin. Manag., ۲۳, ۱۳۴-۱۴۵.
- ۲۰- Mulder, M. (۲۰۱۷). *Earnings Management and Gender Diversity in the Board of Directors and Audit Committee*. Master's Thesis, Economics track Accounting & Control.
- ۲۱- Nekhili, M., Nagati, H., Chtioui, T., & Nekhili, A. (۲۰۱۷). *Gender-diverse board and the relevance of voluntary CSR reporting*. Int. Rev. Financ. Anal. ۵۰, ۸۱-۱۰۰.
- ۲۲- Srinidhi, B., Gul, F.A. and Tsui, J. (۲۰۱۷). *Female directors and earnings management*. Contemp. Account, Res. ۳۸(۵), ۱۶۱۰-۱۶۴۴.
- ۲۳- Sun, J., Liu, G. and Lan, G. (۲۰۱۱). *Does female directorship on independent audit committees constrain earnings management?*. J. Bus. Ethics, ۹۹(۳), ۳۶۹-۳۸۲.
- ۲۴- Qi, B., & Tian, G. (۲۰۱۲). *The impact of audit committees' personal characteristics on earnings management: Evidence from China*. Journal of Applied Business Research, ۲۸(۶), ۱۳۳۱-۱۳۴۳
- Zalata, A. M., Taurigana, V. and Tingbani, I. (۲۰۱۸). *Audit committee financial expertise, gender, and earnings management: Does gender of the financial expert matter?*, International Review of Financial Analysis, ۵۵, ۱۷۰-۱۸۳.